



# سرنوشت کپی‌رایت در دست مسئولان

آقای محمود سالک، مدیر «نشر کلام»، گرچه هنوز جزو ناشرانی نیست که حق کپی‌رایت را خریداری می‌کنند، اما در مقطعی پی‌گیر این قضیه بوده است و بنا به دلایلی موفق به این کار نشده است.  
او عقیده دارد پیوستن ایران به جمع کشورهای رعایت‌کننده‌ی حق کپی‌رایت به پژوهش و کار کارشناسی جدی نیاز دارد.

■ آقای سالک! شما در زمینه‌ی خرید امتیاز ترجمه‌ی کتاب‌ها یا خرید حق کپی‌رایت فعالیت دارید؟  
گاهی در مورد بعضی از کتاب‌ها مکاتباتی داشته‌ایم، ولی تا الان حق کپی‌رایت اثری را نگرفته‌ایم. در یکی دو مجموعه که قصد این کار را داشته‌ایم، به موانعی برخوردیم و عملاً امکانش برایمان فراهم نشده است.  
■ چه موانعی؟

مثلاً من قصد داشتم حق کپی‌رایت مجموعه‌ای را بگیرم که ناشر اصلی آن آمریکایی بود، اما آن ناشر اعلام کرد که با مؤسسات ایرانی همکاری نمی‌کند. البته در آن زمان حساسیت‌های زیادی وجود داشت. در مواردی هم شرایط، شرایطی نبود که ما - با توجه به بازار داخلی - احساس کنیم می‌توانیم حق کپی‌رایت را خریداری کنیم. چون خریداری حق کپی‌رایت در کشور ما، حقی را برای





یکی از  
مشکلات نشر ما هدر  
رفتن سرمایه‌ها برای  
کارهای تکراری است

نداریم و به نفعمان نخواهد بود. در حوزه‌ی فرهنگ نیز همواره این تفاوت دیدگاه‌ها وجود دارد. تا وقتی که ما در حوزه‌ی داخلی فعالیت داریم و نشرمان عمدتاً مبتنی بر مصرف داخلی و بدون مراودات گسترده‌ی بین‌المللی است، با دیدگاه اقتصادی صرف شاید پیوستن ما به این پیمان خیلی به نفعمان نباشد. چون در حوزه‌ی فرهنگ نیز مانند خیلی از حوزه‌های صنعتی، ما پیش از این که تولید و عرضه‌کننده باشیم، مصرف‌کننده هستیم. مثلاً در علوم خالص مانند پزشکی و مهندسی، شاید نزدیک به ۸۰ درصد منابع ما، منابع چاپ شده در چند کشور غربی است که بعد از ترجمه، در اختیار دانشجویان و دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. در مقابل، ما محصول چندانی برای عرضه به خارج از کشور نداریم. شاید یکی از حوزه‌هایی که در این مورد استثناست، حوزه‌ی کودک و نوجوان، به خصوص شاخه‌ی ادبیات داستانی و علمی آن است که توان حرکت منطقی در این مسیر را به ما می‌دهد. خیلی از نویسندگان و تصویرگران حوزه‌ی کودک و نوجوان ما در دنیا شناخته شده‌اند و در این زمینه قابلیت همکاری بالقوه وجود دارد.

اما طبیعتاً ما نمی‌توانیم به عنوان یک بخش جزئی، خارج از قاعده‌ی کلی عمل کنیم. بالاخره روزی باید تکلیف این قاعده‌ی کلی، یعنی رعایت حق کپی‌رایت در داخل کشور، مشخص شود. تا آن وقت، فعالیت‌های ما محدود به همین تلاش‌ها و ارتباط‌های شخصی و موردی خواهد ماند. جالب این جاست که این تلاش‌ها به ناشران خصوصی محدود نیست. برای مثال، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای خرید حق کپی‌رایت تلاش می‌کند و در بسیاری از موارد هم موفق شده است. این حرکت کانون هم از ارتباطات بین‌المللی ناشی می‌شود. مدیران آن جا پی برده‌اند که اگر بخواهند مراودات بین‌المللی‌شان را توسعه دهند، باید حق کپی‌رایت را رعایت کنند.

از نظر من، ناشری که مراودات بین‌المللی و اثر قابل ارائه به خارج از مرزها ندارد، انگیزه‌ای هم برای اعمال این حق ندارد؛ چون از نظر اقتصادی برایش فاقد جاذبه است. در حال حاضر، اغلب ناشران ما به همین شکل عمل می‌کنند.

■ با توجه به این که برخی از ناشران داخلی، به اجازه گرفتن از صاحب اثر یا خریداری حق کپی‌رایت بعضی از آثار مبادرت کرده‌اند، شما چشم‌انداز این موضوع را چگونه می‌بینید؟

به نظر من تا زمانی که این حق در داخل کشور به رسمیت شناخته نشود و برای چاپ کتاب ایجاد انحصار نکند، چنین اقداماتی فراگیر نخواهند شد. این فعالیت‌ها تک سوهایی هستند که انتظار نمی‌رود همه‌ی فضا را روشن کنند. همین ناشرانی که این کار را شروع کرده‌اند، شاید در بین ۱۰۰ اثر فقط حق کپی‌رایت چند اثر را خریداری کرده‌اند. آن چند اثر هم بیشتر جنبه‌ی تجربه یا ژست دارد. آن‌ها

نمی‌توانند حق کپی‌رایت صددرصد آثارشان را خریداری کنند.

■ شما به عنوان ناشر، آیا موافق پیوستن ایران به جمع کشورهای که حق کپی‌رایت را رعایت می‌کنند، هستید؟

اگر بخواهم در محدوده‌ی کاری خودم - یعنی چاپ و انتشار کتاب‌های علمی و آموزشی ویژه‌ی کودکان و نوجوانان - نظر بدهم، بله موافقم. اما این که آیا اساساً پیوستن ما به این پیمان در شرایط فعلی جامعه به نفع ما هست یا نه، نیازمند کار کارشناسی جدی است تا بتوان به یک جمع‌بندی و تصمیم ملی رسید.

در هر صورت در حوزه‌ی کار خودم خوش‌حال خواهم شد اگر این اتفاق بیفتد.

■ به نظر شما پذیرش این حق به عنوان یک قانون، چه فایده‌ای برای فعالان حوزه‌ی نشر ما خواهد داشت؟

فایده‌های بسیاری خواهد داشت. در حال حاضر یکی از مشکلات نشر ما هدر رفتن سرمایه‌ها برای کارهای تکراری و چند باره و چند باره است! شما در بازار می‌بینید که از یک کتاب چند ترجمه وجود دارد، عمدتاً هم ترجمه‌هایی کپی شده از روی هم هستند. یکی از حسن‌های پذیرش این حق آن است که از اتلاف سرمایه‌ها برای کارهای تکراری جلوگیری می‌شود.

فایده‌ی دیگرش این است که دیگر هر کسی نمی‌تواند خودش را مترجم بداند و کتاب کپی شده را به نام خودش چاپ کند. در این صورت به نظر من، ترجمه به سوی یک فعالیت حرفه‌ای حرکت می‌کند و مترجمان جایگاه حرفه‌ای خودشان را پیدا می‌کنند.

فایده‌ی سوم ارتقای ترجمه‌هاست. چرا که وقتی شما به عنوان مترجم یا ناشر حق کپی‌رایت را تقاضا می‌کنید، صاحب اثر صلاحیت‌های شما را هم مدنظر قرار می‌دهد. چون می‌خواهد اثرش با کیفیت خوبی به زبان دیگری چاپ شود. بنابراین کیفیت ترجمه‌ها قطعاً بالا خواهد رفت.

به نظرم این سه حسن آن قدر مهم هستند که دنبال فواید و حسن‌های دیگر رعایت و پذیرش این حق در محدودی فوق نگردیم، ولی قطعاً حسن‌های دیگری هم دارد.

